

ادبیات

ناگهان شعر

•••

زنده یاد غلامرضا قدسی

نمی گیرد کسی جز غم سراغ خانه ما را
به زحمت جغد هم پیدا کند ویرانه ما را
از آن شادم که غم پیوسته می آید به بالینم
چه سازم گر که غم هم گم کند کاشانه ما را
چه غم گر جام ناگامان تهی ماند از می عشرت
به شوخی می کنند آشوخ باز لف سیه بازی
اگر خواهد به رقص آرد دل دیوانه ما را
ز سر تا پای من مستی زنده موج از نگاه او
نگه دارد خدا از چشم بد میخانه ما را
دل مشکل پسندم را اسیر خویشتن کردی
به دست آوردی آخر گوهر یکدانه ما را
نیفتد بر زبان ناگام ز زندگی، قدسی!
مگر خواب اجل شیرین کند افسانه ما را

سعید بیابانکی

آسمانار خصنی تادست در خور چین کتم
وین شب خاموش اسر شار از پروین کتم
سکّه ماهی کف دستم گذار ای روزگار
تا که من فکری به حال این شب مسکین کتم
گم شدم در شهر تو توری شب، تا خواستم
دست در آن زلف پیچ پیچ چین در چین کتم
بچه مرشد چوپن نقل قصه های من کجاست
تا که خون ها در دل این پرده چرمین کتم
شبهات آتشین لب واکن از هم تا که من
چون غزل آغوش یکشایم، ثورا تضمین کتم
جره ای از بوی زلف شمس در جانم بریز
تا که این طبع سراپا تلخ را شیرین کتم
پای کوبان راهی بار زار ز کوبان شوم
چرخ چرخان یاد مولانا جلال الدین کتم
در سماعی آتشین، در آسمانی از دعا
دست های تشنه حالم را بر آزمین کتم
این دل صدبار ه گر لختی به من فرصت دهد
وصله ای هم خرج این پیر اهن خوئین کتم
شعر دارم، شعر ناب و نور دارم، نور مضی
آسمانار خصنی تادست در خور چین کتم

حجت بخیوی

هر روز دلم گرفته از دست کسی
باز است همیشه و برویم قفسی
هر سو که نگام می کنم پاییز است
کی می شود ای مرگ به دادم برسی

ایرج زیر دست

چون جاده به زم خرفتن را است مرا
یک سینه تپش نفس نفس کاست مرا
این بود تمام ماجرای من واو
می خواستمش ولی نمی خواست مرا

معرفی کتاب

•••

سمت روشن دنیا



جدیدترین مجموعه شعر رضا اسماعیلی با عنوان «سمت روشن دنیا» یا مقدمه ای از اکبر اکسیر منتشر شد. این مجموعه شعر که اولین مجموعه مستقل آزادسروده های اوست در بر دارنده ۲۲۴ قطعه سپیدسروده کوتاه با مضامین غنایی و اجتماعی است. اکبر اکسیر در بخشی از مقدمه ای که بر این مجموعه شعر نوشته، گفته است: «رضا اسماعیلی ادوار شاعری از کلاسیک تا شعر امروز را پشت سر گذاشته است. او با بازخوانی «نیمیا» و تاملی در شعر دهه هفتاد، رفتارشناسی ادبی و شعر مفهومی را به مخاطب لجوج امروز شناساند و حالا بعد از ده سال به شعر های کوتاهی رسیده که می توان ادعا کرد که می خواهد بدون تقلید به راه تازه ای قدم بگذارد که شعر امروز نامیده می شود. نمونه های چاپ شده در این مجموعه تمام تجربیات او نیست. اگر تکراری هم در معدودی از شعر ها دیده می شود، به خاطر پرداختن شاعر به موضوعی خاص و تشخیص بخشیدن به آن است، ولی لِهجه کُتبی شعر های این مجموعه آمیخته با تفکر و اندیشه ای والا و انسانی است، بازبانی که محکم است و مهندسی خاص و آواگانی را در بر دارد.»

سپیدسروده های «سمت روشن دنیا» که در چهار بخش «عشق»، «کودکی»، «مرگ» و «اما بعد…» سامان یافته اند، شعری سراسر از تصویر های مفهومی هستند. تصویر هایی متأثر از سبک زندگی آشفته و نابسامان انسان معاصر، انسانی که در تقابل سنت و مدرنیته دست و پا می زند و گاهی به تنگنای بر این سبدن به آرامش به معصومیت کودک درون خویش پناه می برد. شاعر در «سمت روشن دنیا» به کالبدشکافی دغدغه های انسان مدرن و واکاوی شاعرانه آنها پرداخته است. اسماعیلی در این مجموعه شعر به تلقین متوازن فرم و محتوا و وزن را به بازی های فرمی محض که پیش تر و بیش تر از عنصر «تفکر و اندیشه» به صورت و برونه زبان متکی هستند، تلاش کرده است – همچون شعر های آیینی اش – نگاهی منبعث از آموزه های دینی به مقوله های ازلی – ابدی و زندگی، عشق، و مرگ داشته باشد. سمت روشن دنیا در نگاه شاعر، همان سستی است که بوی «عدالت موعود» را می دهد و به صلح، آزادی، عشق و عدالت ختم می شود:

جنگ گفتگ، شنگف

این مثلث مقفی

اگر از هندسه کلمات حذف می شد

بر سینه آسمان

داغ می ریزنده ای نمی ماند.

مجموعه شعر «سمت روشن دنیا» را در ۱۶۵ صفحه، با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۳۰۰ تومان، آبان ماه امسال انتشارات «هنر رسانه اربدیهشت» منتشر و به پیشخوان کتابفروشی ها فرستاده است.

گفت و گو با دکتر محمود اکرامی فر، نویسنده، شاعر و پژوهشگر ادبی:

رسانه ها هم باید شعر و ادبیات را ثروت ملی بدانند



شان دور شده اند یعنی باید دور می شدند چون کار رسانه مکتوب، خبر دادن نیست و جای خبرنگار هم در رسانه های مکتوب نیست. کار کرد در رسانه های مکتوب شفاف سازی و ابهام زدایی از خبر است. رسانه های مکتوب باید به اتفاقاتی که باعث شده خبر به وجود بیاید، بپردازند. باید از سطح خبرنگار در رسانه های مکتوب به سطح روزنامه نگار برویم. روزنامه هایبایدتحلیل گرباشند، به همین دلیل جای خبرنگار ان در سایت های خبری است و جای روزنامه نگاران در روزنامه ها. اطلاع رسانی خبر هم کار رادیو، تلویزیون و سایت های خبری است.

***با توجه به گفته های شما، در رسانه های مکتوب، مطالب باید تخصصی و عمیق تر باشد چرا این ویژگی ها در رسانه های مکتوب کمتر است؟**
**الان روزنامه های مایاید مجلاتی باشند که حول موضوعات روز منتشر می شوند. یعنی نگاه عمیق، تحلیلی و فر ا خبری به موضوعات داشته باشند نه صرفا خبری. اما دلیل این که اینگونه عمل نمی کنند این است که نیروی

استادفتح...مجتبایی در بیمارستان

مستولان رسانه ها پرسید که آیا دغدغه ای که برای مصاحبه با یک سیاستمدار و یا اقتصاددان دارید، به همان میزان برای مصاحبه با یک شاعر و نویسنده هم دارید؟
ما در صفحه ادبیات از آن چه موجود است، استفاده می کنیم اما در صفحات دیگر سفارش می دهیم تا مطلب مطلوب تدارک دیده شود. در واقع به ادبیات خیلی سطحی و ابتدایی نگاه کردیم.

***با توجه به تاثیر شبکه های اجتماعی و گسترش آن در زندگی روزمره، نوع خاصی از ادبیات در حال شکل گیری است. این مسئله چه تاثیری در ادبیات دارد؟**

***توقتی از هر شهر وندی که یک تلفن همراه دارد، بدون این که آموزش خبرنگاری دیده باشد، به عنوان یک خبرنگار استفاده کردیم که هیچ زانر ادبی را در روزنامه هانمی بینیم. الان دیگر در روزنامه ها هیچ خبری از شعر، داستان، خاطره و نثر ادبی و زنده گینامه و سایر موضوعات ادبی نیست. کوئی سرویس های فرهنگی روزنامه ها آن قدر که قیمت بلیت تئاتر و نمایشگاه خط بر ایشان مهم است، برگزاری شب شعر و شب خاطره دو داستان، مهم نیست. در واقع نگاه اختصاصی نیست.**

***چرا در رسانه ها، نگاه تخصصی به ادبیات وجود ندارد؟**

***یک شعر را یک شاعر در وبلاگ یا شبکه های اجتماعی می گذارد، بارها دیده می شود وواکنش های مختلفی را دریافت می کند. حال چه اتفاقی می افتد که می گویند به همین شعر در یک صفحه روزنامه، کسی نگاه نمی کند؟ شعر و ادبیات در جامعه ما خواننده دارد. وقتی یک اشتباه تایپی دارم، سریع واکنش ها را می بینم. یعنی با دقت می خواند پس ادبیات جایگاه و خواننده دارد. مسئولان صفحات ادبیات باید مخاطب و شعر را بشناسند. شعر و ادبیات، درسم الخط، آیین نگارش و ویرایش در روزنامه ها غریب است چون کارها از زیبایی نمی شود کسی نمی داند که یک شعر از یک یادداشت بیشتر مخاطب دار یانه. باید از**

«از خشک سال او ز لب هایمان ترک زد
دیشب به جای چوپان یک گرگ لیک زد...»
اندیشه و نوع بیان این اشعار، حتی المقدور قافیه محور نیست و با وجود سختی قافیه در برخی غزل ها شاعر توانسته بسیار خوب از پس آنها برآید:
«قلی شکست و پنجره های نیمه باز شد
بعدش هزار بار شکستن مجاز شد
روزی که مرغ لاغر همسایه غاز شد»
آدم هر آنچه ر شده نبوده، آن پند که در نگاه در میان، با پایان غزل خود، در قالب بیت یا ابیاتی، پلی به مثنوی می زند؛ که این تغییر آهنگ، بعضا در تغییر موضوع و بیان کلام او موثر است. در مجموعه بی چشمداشت خواننده با غزل های نمادینی چون «مترسک»، «انگور»، «آدم برقی»، «سیمرغ های معاصر»، «دریاها» و... مواجهه است که تمثیل و استفاده از نمادها و نگرانی بوی خاصی به این آثار بخشیده و در اشاره غیر مستقیم و گریز از تکرارهای مضمونی موفق واقع شده است. به عنوان مثال در دوغزل «مترسک» و «اخراج پرستوها»، حکایت هیوط آدم هو را به زیبایی بیان نموده است. استفاده او از قافیه زمین گیر در غزل اخراج پرستوها بسیار بجای و هوشمندانه است:

«این چنین بود که قافله ها جاماندیم
این چنین بود برادر که زمین گیر شدم»
از سپیدهای زیبایی این مجموعه می توان به شعر های «نگاتیوها ی سوزخته»، «سنگین»، «غروب» و... اشاره نمود. در مجموع، بی چشمداشت به عنوان اولین مجموعه شعر رسمی موسی عصمتی، اثری درخور توجه، با بارقه هایی از نوگرایی در مضمون و فرم است.

جلد دوم: بزرگمهر بختگان؛ البلغه؛ بهار، محمد تقی؛ بهر یگنی، صمد؛ بیژن و منیره؛ زبان پارتی؛ پری؛ پنجه تنتره؛ دجنداد ادبی؛ تذکرة الاولیا؛ تر جمه تفسیر طبرسی؛ تصوف؛ تفضلی، احمد؛ جامع التواریخ؛ حسنی؛ جلال الدین یلخی؛ حاتم طایی؛ حاج ملاهادی سبزواری؛ حافظ؛ حماسه؛ **جلد سوم:** خاقانی شروانی؛ خدای نامه؛ خرابات؛ خواجوی کرمانی؛ خواجه عبدا... انصاری؛ خیام؛ داستان های بیدپای؛ دبستان مذاهب؛ درفش کاویان؛ دری؛ دساتیر؛ دقتی؛ دولت آبادی؛ حاجی میرزا یحیی؛ در ساله سپهسالار؛ درستم التواریخ؛ روزنامه نگاری؛ روضة القول؛ سبک؛ سعدی؛ شغدی (زبان، خط، آثار). **جلد چهارم:** سندبادنامه؛ سوزنی سمرقندی؛ سیاح؛ فاطمه؛ سیرت جلال الدین؛ شاهنامه سراسری در ایران؛ شاهنامه فردوسی؛ شرح تعرف؛ شرفنامه منیری؛ شعر؛ شعر در ایران باستان؛ شمس تبریزی؛ شمس

چون شان گرم نمی شود. به همین دلیل اخباری در هیچ روزنامه ای ندیدیم که کسی بگوید فلان ترانه از نظر شعر، قوی یا ضعیف است. فقط می گویند فلان کنسرت کی و کجا برگزار می شود. در واقع نگاه به روزنامه روزنامه ای گاهی با غلط ننوشتن و رعایت اصول نگارش و ویرایش ادبیات فارسی به ادبیات در روزنامه ها خدمت می کنیم در حالی که و النگاری نوشتاری در رسانه ها زیاد است. ضمن این که هیچ زانر ادبی را در روزنامه هانمی بینیم. الان دیگر در روزنامه ها هیچ خبری از شعر، داستان، خاطره و نثر ادبی و زنده گینامه و سایر موضوعات ادبی نیست. کوئی سرویس های فرهنگی روزنامه ها آن قدر که قیمت بلیت تئاتر و نمایشگاه خط بر ایشان مهم است، برگزاری شب شعر و شب خاطره دو داستان، مهم نیست.

***یک شعر را یک شاعر در وبلاگ یا شبکه های اجتماعی می گذارد، بارها دیده می شود وواکنش های مختلفی را دریافت می کند. حال چه اتفاقی می افتد که می گویند به همین شعر در یک صفحه روزنامه، کسی نگاه نمی کند؟ شعر و ادبیات در جامعه ما خواننده دارد. وقتی یک اشتباه تایپی دارم، سریع واکنش ها را می بینم. یعنی با دقت می خواند پس ادبیات جایگاه و خواننده دارد. مسئولان صفحات ادبیات باید مخاطب و شعر را بشناسند. شعر و ادبیات، درسم الخط، آیین نگارش و ویرایش در روزنامه ها غریب است چون کارها از زیبایی نمی شود کسی نمی داند که یک شعر از یک یادداشت بیشتر مخاطب دار یانه. باید از**

از نمادها و نگرانی بوی خاصی به این آثار بخشیده و در اشاره غیر مستقیم و گریز از تکرارهای مضمونی موفق واقع شده است. به عنوان مثال در دوغزل «مترسک» و «اخراج پرستوها»، حکایت هیوط آدم هو را به زیبایی بیان نموده است. استفاده او از قافیه زمین گیر در غزل اخراج پرستوها بسیار بجای و هوشمندانه است:

«این چنین بود که قافله ها جاماندیم
این چنین بود برادر که زمین گیر شدم»
از سپیدهای زیبایی این مجموعه می توان به شعر های «نگاتیوها ی سوزخته»، «سنگین»، «غروب» و... اشاره نمود. در مجموع، بی چشمداشت به عنوان اولین مجموعه شعر رسمی موسی عصمتی، اثری درخور توجه، با بارقه هایی از نوگرایی در مضمون و فرم است.

طبسی؛ ضیاءالدین نخشبی؛ عبدالرزاق لاهیجی؛ عجایب المخلوقات؛ عراقی؛ عطار نیشابوری؛ علوی، بزرگ؛ فارسی؛ فارسی باستان؛ فخرالدین اسعدگر گانی؛ فخری سیستانی؛ فر دوسی. **جلد پنجم:** فروغی، محمدعلی؛ فرهنگستان؛ فرهنگ نویسی در ایران؛ فصوص الحکم؛ فصیح، اسماعیل؛ الفهرست؛ قائم مقام فراهانی؛ قصیده فطران تبریزی؛ کاهه؛ کشف المحجوب؛ کلیات شمس، کلیله و دمنه؛ کمال الدین اسماعیل اصفهانی؛ کیومرث؛ گر شاسب نامه؛ گشتاسب؛ گلشیری، هوشنگ؛ گویش؛ لغت فرس؛ اللمعه؛ مادی؛ زبان؛ محمود شبستری؛ محمود قهر اصفهانی؛ مرزبان نامه.

جلد ششم: مصاحب، غلامحسین؛ مصباح الهدایه؛ معیار جمالی؛ مفاتیح العلوم؛ منجیک تر مدنی؛ میر داماد؛ ناتل خاثری، پرویز؛ نظامی گنجوی؛ نیمایوشیج؛ وزن دوری.

طبسی؛ ضیاءالدین نخشبی؛ عبدالرزاق لاهیجی؛ عجایب المخلوقات؛ عراقی؛ عطار نیشابوری؛ علوی، بزرگ؛ فارسی؛ فارسی باستان؛ فخرالدین اسعدگر گانی؛ فخری سیستانی؛ فر دوسی.

جلد پنجم: فروغی، محمدعلی؛ فرهنگستان؛ فرهنگ نویسی در ایران؛ فصوص الحکم؛ فصیح، اسماعیل؛ الفهرست؛ قائم مقام فراهانی؛ قصیده فطران تبریزی؛ کاهه؛ کشف المحجوب؛ کلیات شمس، کلیله و دمنه؛ کمال الدین اسماعیل اصفهانی؛ کیومرث؛ گر شاسب نامه؛ گشتاسب؛ گلشیری، هوشنگ؛ گویش؛ لغت فرس؛ اللمعه؛ مادی؛ زبان؛ محمود شبستری؛ محمود قهر اصفهانی؛ مرزبان نامه.

جلد ششم: مصاحب، غلامحسین؛ مصباح الهدایه؛ معیار جمالی؛ مفاتیح العلوم؛ منجیک تر مدنی؛ میر داماد؛ ناتل خاثری، پرویز؛ نظامی گنجوی؛ نیمایوشیج؛ وزن دوری.

جلد دوم: بزرگمهر بختگان؛ البلغه؛ بهار، محمد تقی؛ بهر یگنی، صمد؛ بیژن و منیره؛ زبان پارتی؛ پری؛ پنجه تنتره؛ دجنداد ادبی؛ تذکرة الاولیا؛ تر جمه تفسیر طبرسی؛ تصوف؛ تفضلی، احمد؛ جامع التواریخ؛ حسنی؛ جلال الدین یلخی؛ حاتم طایی؛ حاج ملاهادی سبزواری؛ حافظ؛ حماسه؛ جلد سوم: خاقانی شروانی؛ خدای نامه؛ خرابات؛ خواجوی کرمانی؛ خواجه عبدا... انصاری؛ خیام؛ داستان های بیدپای؛ دبستان مذاهب؛ درفش کاویان؛ دری؛ دساتیر؛ دقتی؛ دولت آبادی؛ حاجی میرزا یحیی؛ در ساله سپهسالار؛ درستم التواریخ؛ روزنامه نگاری؛ روضة القول؛ سبک؛ سعدی؛ شغدی (زبان، خط، آثار). جلد چهارم: سندبادنامه؛ سوزنی سمرقندی؛ سیاح؛ فاطمه؛ سیرت جلال الدین؛ شاهنامه سراسری در ایران؛ شاهنامه فردوسی؛ شرح تعرف؛ شرفنامه منیری؛ شعر؛ شعر در ایران باستان؛ شمس تبریزی؛ شمس

جلد دوم: بزرگمهر بختگان؛ البلغه؛ بهار، محمد تقی؛ بهر یگنی، صمد؛ بیژن و منیره؛ زبان پارتی؛ پری؛ پنجه تنتره؛ دجنداد ادبی؛ تذکرة الاولیا؛ تر جمه تفسیر طبرسی؛ تصوف؛ تفضلی، احمد؛ جامع التواریخ؛ حسنی؛ جلال الدین یلخی؛ حاتم طایی؛ حاج ملاهادی سبزواری؛ حافظ؛ حماسه؛ جلد سوم: خاقانی شروانی؛ خدای نامه؛ خرابات؛ خواجوی کرمانی؛ خواجه عبدا... انصاری؛ خیام؛ داستان های بیدپای؛ دبستان مذاهب؛ درفش کاویان؛ دری؛ دساتیر؛ دقتی؛ دولت آبادی؛ حاجی میرزا یحیی؛ در ساله سپهسالار؛ درستم التواریخ؛ روزنامه نگاری؛ روضة القول؛ سبک؛ سعدی؛ شغدی (زبان، خط، آثار). جلد چهارم: سندبادنامه؛ سوزنی سمرقندی؛ سیاح؛ فاطمه؛ سیرت جلال الدین؛ شاهنامه سراسری در ایران؛ شاهنامه فردوسی؛ شرح تعرف؛ شرفنامه منیری؛ شعر؛ شعر در ایران باستان؛ شمس تبریزی؛ شمس

جلد دوم: بزرگمهر بختگان؛ البلغه؛ بهار، محمد تقی؛ بهر یگنی، صمد؛ بیژن و منیره؛ زبان پارتی؛ پری؛ پنجه تنتره؛ دجنداد ادبی؛ تذکرة الاولیا؛ تر جمه تفسیر طبرسی؛ تصوف؛ تفضلی، احمد؛ جامع التواریخ؛ حسنی؛ جلال الدین یلخی؛ حاتم طایی؛ حاج ملاهادی سبزواری؛ حافظ؛ حماسه؛ جلد سوم: خاقانی شروانی؛ خدای نامه؛ خرابات؛ خواجوی کرمانی؛ خواجه عبدا... انصاری؛ خیام؛ داستان های بیدپای؛ دبستان مذاهب؛ درفش کاویان؛ دری؛ دساتیر؛ دقتی؛ دولت آبادی؛ حاجی میرزا یحیی؛ در ساله سپهسالار؛ درستم التواریخ؛ روزنامه نگاری؛ روضة القول؛ سبک؛ سعدی؛ شغدی (زبان، خط، آثار). جلد چهارم: سندبادنامه؛ سوزنی سمرقندی؛ سیاح؛ فاطمه؛ سیرت جلال الدین؛ شاهنامه سراسری در ایران؛ شاهنامه فردوسی؛ شرح تعرف؛ شرفنامه منیری؛ شعر؛ شعر در ایران باستان؛ شمس تبریزی؛ شمس

چشمه زلال می رزم می گم:
«راستش رو بگین آقا بزرگ،
خواب دارم، عبادت کرد.

به گزارش ایسنا د کتر فتح...مجتبایی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از چند روز پیش به علت عارضه قلبی در بیمارستان بستری است. عصر روز جمعه، دوازدهم آذرماه ۱۳۹۵، د کتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با حضور در بیمارستان کسری ای تهران، از استاد فتح...مجتبایی، عضو پیوسته فرهنگستان، عیادت کرد.

انجمن های ادبی

•••

عماد خراسانی



انجمن ادبی عمار خراسانی که هر هفته پنجشنبه ها بر نامه شعر خوانی و نقد شعر دارد همزمان با میلاد امام علی در هیجدهم و نهمین سال ۹۴ فعالیت خود را آغاز کرد و با بهره گیری از استادان شعر مشهد و شاعران خوب این خطه و کشف و جذب استعداد های جوان و نو به سرعت مسیر پیشرفت را طی کرد و جای خود را در بین علاقه مندان به شعر باز کرده به صورتی که هم اکنون حدود ۵۰ عضو ثابت دارد و به انجمنی فعال و شناخته شده در بین اهالی شعر تبدیل شده است. رویکرد مهم و بنیادی این انجمن اعتلا و ارتقای شعر و انجمن های ادبی در مشهد بود. به گفته هاشم رضا اده مدیر این جلسه: کثرت انجمن های بدون بازده، طراوت هنر و هنر مدرن را می گیرد و او را خسته می کند و باعث از رونق افتادن شعر می شود، دقیقاً چیزی که الان کم و بیش شاهد آن هستیم. این انجمن تصمیم گرفته است با بالا بردن سطح کیفی انجمن ادبی عمار خراسانی، بازدهی بیشتری داشته باشد. الان با توجهی که اخیر اادار مثنوی اثر هاشم رضا اده مدیر این جلسه داشته است ما شاهد آن هستیم که تا حدودی وضعیت شعر علی الخصوص در متن انجمن ادبی عمار بهتر شده است. ما در انجمن عمار خراسانی تا به حال بنا به مناسبت های مختلف اقدام به برگزاری ویژه ها هم کرده ایم که با استقبال شاعران نیز مواجه شدیم. از آن جمله بر نامه نقد کتاب که با حضور مولف و نقادان و شاعران در چند مورد برگزار شد. دیگر ویژه بر نامه های برگزار شده در انجمن عمار، شب شعر ویژه بار نامه های در فرهنگ به بحث شعر منبذول داشته گسترده طیف های مختلف شاعران استان و مسئولان شهری برگزار شد. بنا به ابعاد و مناسبت های آیینی نیز این انجمن فعالیت های ادبی خوبی را برگزار کرد. همچنین ما در انجمن عمار، برای ای قدر دانی از شاعران عضو انجمن و نیز تعامل و آشنایی با جلسات و شاعران دیگر شهر های استان خراسان، دوبار اقدام به برگزاری اردوی تفریحی به شهر های کاشمر و نیشابور کردیم که بسیار استقبال شد. سفر اول یک اردوی زیارتی – سیاحتی به شمار می آمد و سفر دوم همزمان شد با برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب در نیشابور که با استقبال غیر منتظره و بیش از حد نیز بهر ور شدیم. از دلایل پویایی بهر و روز بودن این انجمن، علاوه بر برنامه های در حد جلسات مستمر با مسئولان است. هر ریشنهادهای که در جهت بهبود ارتقای شعر مشهد ارائه می شود، در کار گروه ادار و فرهنگ و ارشاد مطرح می شود. ما با راه تضمیمات و پیشنهادهای ه ایمان را ارائه کردیم که مدیران باروی باز قبول کردند.

خوابش سوم- خواب نامه

•••

خوابی که خواب نبود



علی براتی کجوان - داستان های بلند که به دوستی راماس است محلی برای پردازش بیشتر داستان کوتاه است که نمی خواهد به رمان تبدیل شود؛از فضای کثرتی استفاده می کند. همین کمی فشردگی و دوری از زیاده گوئی رمان های کلاسیک سبب جذاب شدن متن می شود. رمانس "خواب نامه" نوشته مهدی رئیس المحدثین تمام تلاش لازم را می کند تا از اضافه گوئی رایج در داستان کوتاه کلاسیک دوری کند؛و داستانی خواب اما کمی مدرن را روایت می کند. کاتالکسی نوعی بیماری خاص است به نام حمله خواب که شخصیت اول داستان مبتلا به آن است و تمام داستان روایت سرگشتگی و تهم و درد هایش می باشد.

رئیس المحدثین تمام تلاشش را می کند تا مابه دنیای درون این شخصیت وارد شویم اما داستان با مشکلاتی نیز مواجه است.

هر نویسنده یک تعداد دوازه برای باز نمایی داستان خویش به کار می برد اما گاه در دایره واژگانی به کلماتی بر خورد می کنیم که به همراه واژگانی کتاب نمی خورد. این یکی از معضلات متنی اثر است. به این کلمات توجه کنید:

خنجره نکت، چهل من و چند اندر قیچی که بار داستانی نیز ندارند.

داستان می خواهد داستانی بومی مشهدی بشود اما به صورت گزرا از خلق فضای اثر می گذرد که این فضاها هیچ کمکی به خلق موقعیت ویا پردازش شخصیت در داستان نمی کند. نویسنده تا آنجا جلوی می رود که موضوع تاریخی را جلو می کشد و کاری که تا اواخر دوره ۴۰ در مشهد توسط جهود ها انجام می شد؛ در درون داستانش می آورد. این خواب و بیداری برای چیست؟ آیا کار بردی در رمانس دارد؟ و اثر اثر می خواهد مدرن باشد با بازی های ذهنی اما پازل های درست چیده نشده کار را خراب می کند.

خواب نامه یک داستان بومی نیست اما بسیار سرگرم کننده است و من این کتاب را به خوانندگان داستان که می خواهند داستانی متفاوت را بخوانند توصیه می کنم.

